روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۳۵۶

جهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
سبک شمردن حقوق برادران و رفیقان از نشانه‌های درماندگی و خواری است.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۳ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۱۳
■ اذان مغرب: ۱۸:۳۲ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۰
■ اذان صبح فردا: ۴:۴۷ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۱۱

حافظ
روضه خُلدِ برین خلوتِ درویشان است
مایه‌مُحتَشَمی، خدمتِ درویشان است

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

ادعُونی أَستَجِبْ لَکُم

دعای روز شانزدهم ماه مبارک رمضان

بسم‌الله الرحمن الرحیم
اَللّهُمَّ وَفِّقْنی فیهِ لِمُوافَقَةِ الابْرارِ وَ جَنِّبْنی فیه مُرافَقَةَ الاشرار و اونی فیه بِرَحْمَتِکَ الی دار القَرار بالهیَّتِکَ یا الهَ الْعالَمینَ.

به‌نام خداوند بخشاینده مهربان
ای خدا در این روز مرا به موافقت «اعمال و افکار» نیکان عالم موفق بدار و از رفاقت اشـرار جهان دورگردان و مرا در بهشت دارالقرار برحمتـت منزل ده به حق الهیـت و معبودیتت ای خدای عالمیان.

تهران نامه

نذری رمضانی تهرانی‌ها

نذرهای خاص تهران از سـال ۱۳۰۰ به بعد و در زمان قاجار با شور و اشتیاق وصف‌نشدنی از چند روز مانده به ماه مبارک رمضان شروع می‌شد. شهر حال و هوای دیگری پیدا می‌کرد؛ گویی قرار بود نوروز دوباره از راه برسد. شستن ظروف سفره‌های افطار و سـحر از نذری‌های خـاص تهرانی‌های قدیـم به‌ویژه در اطـراف بازار تهـران و مولوی بود؛ نذری که همچنان در بسیاری از محله‌های تهران انجام می‌شـود. آنها بدون درنظر گرفتن اینکه نذری افطار برعهده چه‌کسـی بوده، سراغ شسـتن ظرف و دیگ می‌رفتند. علاوه بر این، از آنجا که مساجد در ماه رمضان شلوغ‌تر از هر زمان دیگری می‌شد به همین دلیل مردم طبق نذری هرسـاله، فرش و زیراندازهای خود را به مسجد می‌آوردند و در حیاط مسـجد پهن می‌کردند تا نمازگزاران بتوانند تا پایان مـاه مبارک رمضان روی این فرش و قالیچه‌ها نماز بخوانند. مردمی که فرش و قالیچه خود را به مسجد می‌بردند، این کار را نوعی تبرک به‌شمار می‌آوردند. جاروکردن فرش‌ها و شستن ظرف و قابلمه مخصوص نذری یا اسـتکان‌های چای از نذرهای خاص تهرانی‌ها در ماه مبـارک رمضان بود که برخـی آن را در طول ماه مبارک رمضان هر روز در مساجد انجام می‌دادند. در سـال‌هایی که ساعت زنگ‌دار باب نشده بود، بعضی‌ها نذر می‌کردند تا همسایه‌ها را به روش‌های مختلف برای سحر بیدار کنند. یکی از راه‌ها، کوبیدن در خانه همسایه‌ها بود.

سوژه روز

ماهی قرمز کوچولو

امسال هم ننه‌سرما، بار و بندیلش را در این روزها بست و بوی بهار و سبزی و طراوت و زندگی دوباره در تهران پیچید. دوباره بساط دستفروشان شـب عید در گوشه‌وکنار شهر هم پهن شد و سین‌های ریز و درشت سفره‌های نوروزی، قطارقطار شـدند تا دل عابران پیاده را ببرند و آنها را بخرند و مهمان سفره‌های هفت‌سین شب عید خود کنند. اما کاش امسال هم مثل سال‌های گذشته، سراغ ماهی‌قرمز کوچولوی سفره عید نرویم. ماهی‌قرمزها، از فضای تنگ تُنگ‌های ما دلشان می‌گیرد و نفس‌هایشان از اکسـیژن کم تنگ‌ها به شماره می‌افتد. اگر از اهالی دوستدار ماهی‌های آکواریومی بپرسید به شما خواهند گفت نگهداری این موجود دوست‌داشتنی، شرایط ویژه‌ای دارد؛ از آب و غذا گرفته تا منبع تامین اکسیژن و تسویه آب بدون کلر و گرمایش و سرمایش و میزان حجم نمک موجـود در آب و هزار هزار قصه دیگـر که معمولا در تنگ‌های ماهی سر سفره عید، هیچ‌وقت رعایت نمی‌شود. پس بیایید امسال هم به‌جای خرید ماهی قرمز، طرحی از آنها را بر تخم‌مرغ‌های رنگی سفره عید بکشیم و اجازه دهیم این موجودات دوست‌داشتنی آزادانه زندگی کنند.

عکس: همشهری/امیر پناه‌پور

شهر زیبای زیرزمینی

با افتتاح ایستگاه میدان خراسان یک ایستگاه زیبای دیگر به فهرست ایستگاه‌های چشم‌نواز شهر اضافه می‌شود

سیدسروش طباطبایی‌پور

مترو؛ این مار خوش‌خـط وخال که محله تا محلـه را درمی‌نوردد و شهروندان، این مسافران بامرامش را بدون دغدغـه از ماجراهـای روی زمین، از تونل‌های زیرزمینی عبور می‌دهد و آنها را به هم می‌رساند. اما حالا و در دنیای مدرن امروز، انگار مترو و ایستگاه‌هایش، علاوه بر حمل‌ونقل پاک، کارکردهای دیگری هم در مناسبات شهری پیدا کرده‌اند؛ کارکردهای هنـری، مناسـبات فرهنگـی و چشم‌نوازی‌های ایرانی-اسلامی! درواقع مدیران شهری در سراسر جهان با اطلاع از این موضوع که بسـیاری از شهروندان، دیگر تنها خطوط مترو را برای حمل‌ونقل خود انتخاب کـرده و میلیون‌ها نفر در شبانه‌روز به‌جای دیدن نمادهای شهری روی زمیـن، دیگر مهمان شـهرهای زیرزمینی‌اند، حالا تلاش می‌کنند با ساخت ایسـتگاه‌های متروی مـدرن و البته چشـم‌نواز، هوای چشـم تـن و جان شهروندان زیر زمین را هم داشته باشند. ایستگاه‌های متروی تهران هم از این قاعده مستثنا نیستند و مدیرانش تلاش کرده‌اند روی در و دیوار و سقف و ستون ایستگاه‌ها علاوه بر نام ایستگاه اکنون و ایستگاه قبل و بعد، اثری از فرهنگ ایرانی-اسلامی را هم به مترو سواران هدیه دهند. نمونه‌اش ایستگاه متروی میدان خراسان با سبک معماری ایرانی-اسـلامی ویژه است که شهردار تهران، خبر افتتاح آن را جمعه هفته گذشته در سخنان پیش از خطبه‌های نمازجمعه اعلام کرد. در اینجا سری به چند ایستگاه متروی تهران می‌زنیم که حضور در آنها، علاوه بر نوازش چشم تن، روحمان را هم می‌نوازد.

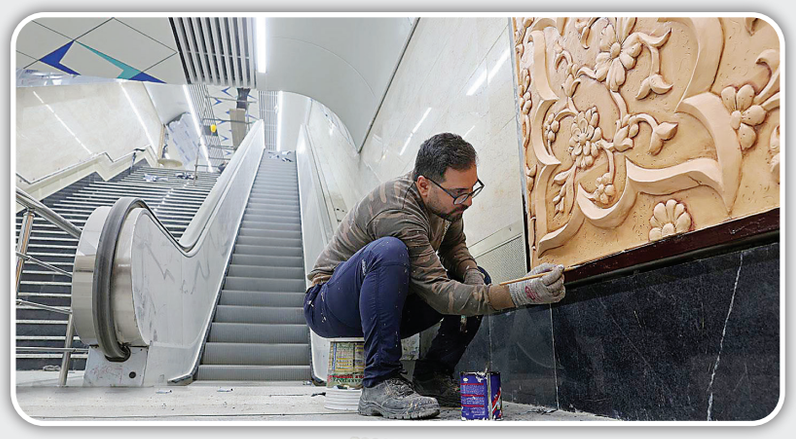

مکث

ایستگاه متروی میدان خراسان

ایسـتگاه میدان خراسان، بیسـت‌وچهارمین ایسـتگاهی است که در خط ۶ مترو تکمیل شـده و در چند روز آینده به بهره‌برداری می‌رسـد. علاوه بـر آجرها و سـنگ‌های فیروزه‌ای که در دیوارها و سقف به‌کار رفته، در سقف این ایستگاه نیز از پوشش میکروسمنت استفاده شده؛ پوششی دکوری که از سیمان و رزین است و طرح‌های آن با اجرای دست هنرمندان و برگرفته از معماری ایرانی-اسلامی است. همچنین نقش‌برجسته‌هایی بر دیواره‌های این ایستگاه هست که هنرمندانه، ابیاتی از فردوسـی و خیام را در نگاه مسافران قاب کرده‌است.

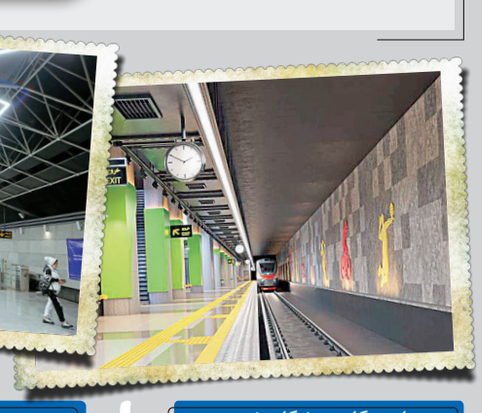

ایستگاه ورزشگاه تختی

ایسـتگاه ورزشـگاه تختـی، آخریـن و بیست‌ودومین ایسـتگاه خط ۷ مترو است که کارهای اجرایی آن به نیمه راه رسـیده و قرار است در سال آینده افتتاح شـود. با توجه به همجواری این ایستگاه با فضای ورزشی ورزشگاه قدیمی تختی، تلاش شده معماری آن متناسب با حال و هوای ورزشی و بانشاط باشد. استفاده از رنگ‌های شـاد و نورپردازی‌های خاص در این ایستگاه، در راستای همین حال و هواست.

ایستگاه میدان کتاب

این ایستگاه در شمالی‌ترین نقطه خط ۷ مترو قرار دارد و سال ۱۴۰۲ افتتاح شد. در همان ابتدا و با دیدن فرم زیبای کیوسک ورودی، شما با ایستگاهی متفاوت از دیگر ایستگاه‌های تهران مواجه می‌شـوید. ایده نورپردازی آن با الهام از طرح صاعقه صورت گرفته و با تلفیق نور و برخورد آن با شیشـه و بتن‌های اکسپوز، سبکی بدیع را در نما، سـقف‌ها و دیواره‌ها به نمایش گذاشته است. همچنین علاوه بر اسـتفاده از مصالح مدرن، همخوانی معماری این ایسـتگاه با مراکز خرید پیرامونی نیز درنظر گرفته شده است.

ایستگاه میدان جهاد

ایستگاهی که با آجرهای دست‌ساز و با استفاده از خاک بومی اطراف تهران به سبک بناهای سنتی ایران ساخته شـده و پر از طاق‌ها و دالان‌های تو در تو و نورگیرها و تهویه‌های طبیعی اسـت. این ایستگاه که براساس طراحی یکی از معماران دهه ۶۰ این سرزمین بنا شد، در سال ۲۰۲۳ مورد توجه جهانی قرار گرفت و جایزه معماری جهانی را از آن خود کرد. هیأت داوران این جایزه از برجسته‌ترین معماران و طراحان جهان تشکیل شده‌است.

مکث

ایستگاه ۱۷ شهریور

سقف‌ها و دیوارهای این ایستگاه دیدنی، براساس معماری دوره صفویه و قاجار بنا شـده و مسافر خود را با طرح و رنگ و آبش، به سفری در دل تاریخ هم خواهد برد. ایستگاه ۱۷ شهریور از سقفی گنبدی‌شکل همراه با نورگیر کاذب به ارتفاع ۶ متر ساخته شده و شکل شیشـه‌های رنگی و معماری آن به‌گونه‌ای اسـت که بیننده، تصور می‌کند این نور طبیعی است که چنین نقش و نگار خیال‌انگیزی را به سبک بناهای ایرانی خلق کرده‌است.

تهرانگرام

خانه بانوی شعر ایران

سـمت چپ کوچه شـهید کمیلـی در محله اودلاجان چند پله پهن به خانه‌ای منتهی می‌شود که معماری آن با خانه‌های اطراف متفاوت است؛ خانه‌ای که هنوز معماری گذشته خود را حفظ کرده و پایین‌تر از سـطح کوچه قـرار دارد. چند پله پهن سیمانی، به خانه‌ای دوطبقه منتهی می‌شـود که مانند بسیاری از خانه‌های قدیمی حـوض کوچکی در وسـط حیاط دارد. راهـروی باریکی در ورودی خانه، با پله‌های مارپیچ، مسیر رفتن به طبقه دوم و اتاقی است که پروین اعتصامی روزگاری در آن زندگی و نخستین سروده‌هایش را زمزمه می‌کـرده اسـت. اعتصام‌الملک، پدر پروین اعتصامی وقتی بـه نمایندگی مجلس انتخـاب و از تبریز راهی تهران شـد، همراه ۳ فرزندش ابوالقاسم، ابوالفتح و پروین به تهران آمد. او در زمینی از اراضی میرزا نصرالله مستوفی در کوچه‌ای که نامـش مرتضی‌خان خزانه بود (احتمالا خزانه‌دار ناصرالدین شاه) خانه بزرگی سـاخت که مانند خانه‌های آن دوره شـامل اندرونی و بیرونی بود. این ساختمان قدیمی در محله اودلاجان یادگاری است از روزگاری که این شاعر همراه پدر و مادر و برادرهایش در آن زندگی می‌کرده‌اند.

تهران مصور

صندوقی که از ناسزا پر شد

عدالت‌گستری به سبک، ناصرالدین‌شاه را باید در قصه صندوق «عدالت ناصری» جست‌وجو کرد؛ صندوقی که با بوق و کرنای بسـیار در ارگ تهران جاخوش کرد و در نهایت نه شـاه آن را جدی گرفت و نه مردم.

داستان از آنجا شروع شد که ناصرالدین‌شاه تصمیم می‌گیرد خود را شاهی عادل معرفی کند. این در حالی بـود که رفتارهـای او با آنچه عدالت‌گستری می‌پنداشـت زمین تا آسمان فرق داشت. در عهد ناصری شکایت از دولتی‌ها و مقامات و درباریان به اوج می‌رسد. همین موضوع باعث شـد تا شاه قاجار دست به ابتکاری بزند و سال ۱۲۵۲ شمسی دستور سـاخت «صندوق عدالت» را بدهـد که به «صندوق عدالت ناصری» معروف شـد. این صندوق در میدان ارگ تهران ساخته و دستور سـاخت صندوقی مشـابه آن در روستاها و محله‌های دیگر نیز صادر شد.

قرار شد صندوق را هفته‌ای ۲ بار خالی کنند و نامه‌ها را پیش ناصرالدین‌شـاه ببرند. بعد از مدتی مـردم فهمیدند اصـلا دادخواهی بحقی وجود ندارد و صندوق پر شـد از ناسزا و لعنت. مخبرالسـلطنه هدایـت در کتاب «خاطرات و خطرات» درباره این صندوق البته غیرمنصفانه گزارش داده است: «صندوقی به اسم صندوق عدالت در شهر نصب کردند که متظلمین، تظلم خودشان را در آن بیفکنند و به شاه برسد و از بس اراذل و اوباش اراجیف در صندوق می‌انداختند، صندوق‌ها را کندند و موقوف شد. محل تعجب است که طبع این مردم بیشتر به طرف هزل و لغو مایل است و هر کاری را به مسخرگی می‌کشانند.»

در شـهرهای دیگر هم وضعیت اینگونه بود که تا مدتـی عریضه‌ای دریافت نمی‌شـد و ناصرالدین‌شـاه هم خوشحال شـده بود که انگار کسی شکایتی ندارد یا شاید هم تعجب کرده بود و عاقبت معلوم شـد: «حاکمان در ولایات، چند نفر از عمال خـود را در اطراف صندوق‌هـا گذاشـته بودند تا هر کسـی به صندوق‌ها نزدیک شد با پس‌گردنی و شلاق مواجه شود.»

> صندوقی به اسم صندوق عدالت در شهر نصب کردند که متظلمین، تظلم خودشان را در آن بیفکنند و به شاه برسد و از بس اراذل و اوباش اراجیف در صندوق می‌انداختند، صندوق‌ها را کندند و موقوف شد. محل تعجب است که طبع این مردم بیشتر به طرف هزل و لغو مایل است و هر کاری را به مسخرگی می‌کشانند

همشهری